**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تبیین حیات علمی شیخ انصاری رحمة الله علیه**

استاد راهنما: حجة الاسلام و المسلمین مردانی(زید عزه)

پژوهشگر: محمد عرفان حمیدی(دام توفیقاته)

درس پژوهشی: فقه

مدرسه علمیه علوی قم

سال تحصیلی 98-99

**تقدیم به**

برادرم مجتبی نیازی، مجاهد این روزهای عرصه سلامت که مدتی است به ویروس کرونا مبتلا شده، و به تمامی مجاهدین راه حق و دفاع از آرمان های انقلاب اسلامی؛

**تقدیر از**

ولی نعمت این سرزمین، علی بن موسی الرضا و خواهر گرامی ایشان، کریمه اهل بیت، فاطمه معصومه سلام الله علیهم اجمعین. و با تقدیر از اساتید و دوستان عزیزی که در ارائه این پژوهش کمک حال بنده بودند؛ علی الخصوص حجة الاسلام و المسلمین مردانی(زید عزه) که منت گذاشته و استاد راهنمای این حقیر در تکمیل این پژوهش بودند.

**چکیده**

این مقاله، گزارش مختصری از حیات علمی شیخ اعظم، مرحوم انصاری(رحمة الله علیه) بود که با توجه به برخی اسناد و مدارک پیرامون زندگی شیخ نگاشته شد. برای شناخت بیشتر شیخ اعظم و دستیابی به این مهم به منابع متعددی رجوع شد ولی در متن فقط به برخی از آنها اشاره شد با این بیان که سعی شد در ارائه منابع، از تکرار جلوگیری شود و مطلبی که در چند کتاب وجود داشت و در کتب مختلف ذکر شده بود، با یک سند ارائه گردد. در عین حال از مطلب چیزی کاسته نشد و سعی شد که مطالب -حتی در نقل هایی که به مضمون صورت گرفت- به صورت حداکثری مطابقت با منبع ارائه شده داشته باشد. امید است که این تلاش ناچیز مقبول درگاه حضرت حق عز ذکره واقع گردد.

**کلید واژه:** شیخ انصاری، رسائل، مکاسب، تراجم، فقه، اصول فقه، تاریخ علم، رؤوس ثمانیه، حوزه علمیه نجف

**فهرست مطالب**

[مقدمه 1](#_Toc36175668)

[فصل اول: اجمالی از زندگانی شیخ(ره) 2](#_Toc36175669)

[گفتار اول: خانواده کودکی و نوجوانی 2](#_Toc36175670)

[گفتار دوم: دورنمای حیات علمی شیخ 3](#_Toc36175671)

[زعامت شیخ 3](#_Toc36175672)

[زعامت علمی شیخ و کرسی تدریس 3](#_Toc36175673)

[فصل دوم حیات علمی مرحوم شیخ(ره) 4](#_Toc36175674)

[گفتار اول: اساتید، مشایخ اجازه و اخلاق علمی شیخ(ره) 4](#_Toc36175675)

[اساتید شیخ(ره) 4](#_Toc36175676)

[شیوخ اجازه شیخ(ره) 5](#_Toc36175677)

[گفتار دوم: شاگردان شیخ(ره) و تاثیرات شیخ(ره) بر ایشان 5](#_Toc36175678)

[دیگر شاگردان شیخ(ره) 9](#_Toc36175679)

[اخلاق شیخ(ره) و کرامات اخلاقی او 10](#_Toc36175680)

[گفتار سوم: کتب شیخ و تاثیرات کتب شیخ در حوزه علمیه 11](#_Toc36175681)

[تالیفات شیخ(ره) 11](#_Toc36175682)

[فصل سوم: شیخ(ره) از نگاه دیگران 11](#_Toc36175683)

[گفتار اول: شیخ(ره) از نگاه معاصرین و بزرگان و علمای متاخر 11](#_Toc36175684)

[گفتار دوم: نگرش علماء در مورد کتب شیخ(ره) 12](#_Toc36175685)

[نتیجه نهایی 13](#_Toc36175686)

[منابع 14](#_Toc36175687)

# مقدمه

قال الله تعالی: انما یخشی الله من عباده العلمء(فاطر، 28) قال امیر المؤمنین و سید المسلمین علیه السلام فی وصف المتقین: ... اما النهار، فعلماء حلماء...(نهج البلاغة، الخطبة المعروفة بالمتقین)

شیخ انصاری؛ شخصیتی که جانی دوباره به حوزه ها بخشید و خورشیدی که ستارگانی را در علوم فقه و اصول پرورید. ما در این مقاله از او سخن خواهیم گفت و زندگی علمی او را مورد بررسی قرار خواهیم داد. پس بدیهی است که مقاله پیش بررسی یکی از شاخه های رؤوس ثمانیه علم فقه و اصول و فلسفه مضاف این دو علم است.

ناگفته پیداست که سخن از چنین مسائلی برای ورود به علوم فقه و اصول مهم و ضروری است و به دست آوردن بصیرت و بینش کلی در مورد زندگی علمای یک علم، در فراگیری یک علم امری لازم الاجراء است. برای دستیابی به چنین امری، با رجوع به منابع حاکی از زندگی این شخصیت بزرگوار ابتدا نمایی کلی از زندگی او را در بررسی خواهیم کرد؛ سپس به تحقیق بیشتر در مورد حیات علمی، شرح حال اساتید و شاگردان شیخ و اخلاق علمی شیخ خواهیم پرداخت و در نهایت او را از دیدگاه دیگر علماء معرفی خواهیم کرد.

# فصل اول: اجمالی از زندگانی شیخ(ره)

## گفتار اول: خانواده کودکی و نوجوانی

شیخ اعظم، استاذ الفقهاء و المجتهدین، نابغه عصر و فخر شیعه، مصداق عینی علم و عمل، مجسمه تقوا و ورع، آیة الله العظمی مرتضی ابن محمد امین انصاری معروف به شیخ انصاری و شیخ اعظم در هجدهم ذی حجة الحرام سنه یکهزار و دویست و چهارده هجری قمری در شهر دزفول دیده به جهان گشود(شیخ عباس قمی، 1387 ،ص822). نسب او به جابر انصاری صحابی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بازمیگردد؛ والدین او دارای اصالت و شرافت و اهل فضل و ادب بوده اند. پدر او شیخ محمد امین انصاری، عالمی بزرگوار و جلیل القدر بود که مع الاسف به علت مرض طاعون در سال هزار و دویست و چهل و هشت جان باخت؛ رحمة الله علیه. اما مادر او، زنی صالحه و عابده و از زمره متقین، و اهل فرائض و نوافل؛ نماز شب او و نوافل او تا اواخر حیاتش از او فوت نمیشد. گفته میشود که بدون وضو به شیخ شیر نداد که حاکی از غایت ایمان او است.

جد مادری او چنانچه شیخ یعقوب انصاری، از علمای بزرگوار و اهل فضل بوده تا آنجا که در حق او گفته شده: ما بقی فن الا و هو خطیبه و لا غصن الا و هو عندلیبه؛ کنایه از اینکه او در هر علم و فنی، دستی بر آتش داشته و مسلط بوده.

عموی شیخ اعظم، شیخ حسین انصاری رحمه الله عالمی فاضل و بزرگوار بود؛(مکاسب، 28) از دیگر بستگان شیخ میرزا محمد جعفر انصاری رحمه الله، از مراجع خوزستان بوده؛ در مورد او گفته میشود با آنهمه اشتغالات علمی، از عباداتی که از سن بلوغ به آنها مشغول بود باز نماند. از جمله عبادات او این بود که گذشته از نوافل روزانه، در هر روز یک جزء قرآن مجید را قرائت مینمود و زیارت عاشورا را هر روز ایستاده و در یک جلسه به جا می آورد. در عبادات توجه خاصی داشت و از حافظه ای قوی بهره مند بود.( رضا مختاری، 1387، 140)

در میان فرزندان و نوادگان شیخ نیز علماء و اهالی فضل وجود دارند؛ از این میان تنها به شیخ مرتضی انصاری که نوه مرحوم شیخ اعظم است اشاره کنیم که هر روز صبح و عصر آن را قرائت مینمود و بر آن بسیار مواظبت مینمود(رضا مختاری، 1387، 160). رحمة الله علیهم اجمعین

## گفتار دوم: دورنمای حیات علمی شیخ

مرحوم شیخ در ابتدای حیات علمی خود و در دوران کودکی به یادگیری قرآن کریم پرداخت و سپس خواندن و نوشتن و اصول حساب را آموخت؛ در ادامه همت خود را بر فراگیری علوم ادبیه نظیر صرف و نحو و بلاغت و عروض گماشت و در کنار این علوم، از بین علوم عقلی منطق و کلام را نیز آموخت و در آنها مهارت بالایی به دست آورد.

شیخ پس از فراگیری علوم مقدماتی به فراگیری فقه و اصول پرداخت و عمده استفاده او در این راستا از عموی خود شیخ حسین انصاری بود.(مکاسب، 30)

### زعامت شیخ

زعامت و مرجعیت اندی قبل از شیخ انصاری بر عهده مرحوم شیخ موسی کاشف الغطاء رحمة الله علیه بود تا وفات آن فقیه عالیقدر در سنه یکهزار دویست و پنجاه و شش هجری قمری و پس از او زعامت به برادر ایشان و فقیه عظیم شیخ حسن صاحب کتاب انوار الفقاهة رسید و پس از شیخ حسن زعامت بر عهده شیخ محمد حسن صاحب الجواهر رضوان الله تعالی علیه قرار گرفت.(مکاسب،118)

مرحوم صاحب جواهر رحمة الله علیه پس از خود زعامت را به شیخ مرتضی انصاری سپرد. در مورد مرجعیت شیخ حکایات لطیفه ای هست که به آنها اشاره خواهد شد.(مکاسب،119)

### زعامت علمی شیخ و کرسی تدریس

شیخ رحمه الله پس از استاد بزرگوار خود مرحوم شیخ علی کاشف الغطاء رحمه الله تدریس در سطوح عالیه را بر عهده و گرفت و تا زمانی که صاحب جواهر رضوان الله علیه در قید حیات بودند زعامت علمی با ایشان بود و بعد از وفات آن مرحوم زعامت علمی منحصرا به شیخ انصاری رضوان الله علیه رسید.

# فصل دوم حیات علمی مرحوم شیخ(ره)

## گفتار اول: اساتید، مشایخ اجازه و اخلاق علمی شیخ(ره)

### اساتید شیخ(ره)

اول استاد از اساتید شیخ که ذکر میشود، شیخ حسین انصاری رحمه الله است که شیخ نزد او علوم ابتدائی را فرا گرفت؛ شیخ حسین از شاگردان فقیه بزرگوار و اصولی بزرگ سید علی طباطبایی صاحب کتاب ریاض بود؛ شیخ حسین عمده استفاده خود را از محضر سید در شهر کربلا برد. شیخ حسین در سنه هزار و دویست و پنجاه و سه ندای پرودگار کریم خود را لبیک گفت.(مکاسب ص95)

دیگر استاد شیخ مرحوم شریف العلماء رضوان الله علیه بود. شیخ در دو سفر اول خود به عراق از محضر این استاد بزرگوار بهره برد؛ شریف العلماء از فحول علماء و محققین در علم اصول بود و دو جلسه تدریس داشت؛ یکی عمومی و برای آن دسته افرادی بود که تازه به درجه اجتهاد نائل شده بودند و جلسه دیگر برای افراد خاصی من جمله شیخ اعظم بود که به درجات بالای اجتهاد دست یافته بودند. شریف العلماء با تمام توانائی های علمی ای که داشت اثر مکتوبی از خود به جا نگذاشت و بیشتر وقت شریفش را صرف تربیت مجتهدین و علمای فاضل مینمود مگر یک کتاب در یکی از مباحث علم اصول. این عالم بزرگوار در سنه هزار و دویست و چهل و پنج بر اثر مرض طاعون از دنیا رفت و در سرداب خانه خود مدفون گشت. رحمة الله علیه.(مکاسب 102)

از اساتید دیگر شیخ مرحوم سید محمد مجاهد نوه سید علی صاحب ریاض رحمهما الله بود؛ شیخ در سفر اول خود به عراق از محضر او استفاده برد. در این سفر شیخ بهمراه والد گرامی خود به سرزمین کربلا مشرف شده بود. چون سید نبوغ و استعداد شیخ را ملاحظه میکند از پدر شیخ میخواهد که اجازه دهد شیخ در کربلا بماند و شیخ به مدت چهار سال در کربلا اقامت نمود.

سید محمد مجاهد از نوادگان پسری سید علی صاحب ریاض و بزرگترین آنها بود و نوه دختری مرحوم وحید بهبهانی رحمة الله علیه بود. از تالیفات او کتاب المناهل، الوسائل، جامع العبائر و... بود. سخن در مورد سید بسیار است که چنانچه پرداخته شود از بحث خارج خواهیم شد. سرانجام این سید بزرگوار در هزار و دویست و چهل و دو دار فانی را وداع گفت.(مکاسب، 100)

استاد دیگر شیخ محقق عظیم و فقیه بزرگوار، عالم متقی مولی احمد نراقی رضوان الله علیه بود. در توصیف او قلم نگارنده قاصر است و به بیانات ... کفایت میکنیم.

دیگر استاد شیخ مرحوم شیخ موسی کاف الغطاء رحمه الله بوده.

استاد دیگر شیخ مرحوم شیخ علی کاشف الغطاء بود.

استاد دیگری که برای شیخ شمرده میشود عالم ربانی، فقیه بزرگ مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر رضوان الله تعالی علیه است. که البته بعضی اقوال این مطلب را تایید میکند. همچنین در چگونگی استفاده شیخ از صاحب جواهر اختلاف است که مجال دیگری برای بیان میطلبد و از رسالت این مقاله شمرده نمیشود.

### شیوخ اجازه شیخ(ره)

مشایخ اجازه شیخ بسیارند و ما تنها به ذکر اعلام آنها میپردازیم.

اول) سید صدر الدین موسوی عاملی رحمه الله(مکاسب، 110):

سید نابغه دهر شمرده میشد و اوست جد خاندان صدر که از جمله این خاندان سید محمد صادق صدر و نابغه عصر مرحوم شهید علامه محمد باقر صدر است. رضوان الله علیهم اجمعین و حشرنا الله معهم.

سید اجازه ای وافی در باب اجتهاد شیخ دارد.

دوم) مرحوم علامه مولی احمد نراقی فرزند محمد مهدی نراقی قدس الله نفسه الزکیة است که در ذکر اساتید شیخ کمی از احوال او را بیان کردیم.

سوم) فقیه عظیم و بزرگوار و عالم جلیل القدر مرحوم شیخ محمد سعید قراجه داغی رضوان الله علیه بود که مشهور به صدتومانی بود.

شیخ محمد سعید از شاگردان مرحوم وحید بهبهانی و علامه بحرالعلوم رضوان الله علیه بود. او اجازه ای در تایید اجتهاد شیخ دارد که بسیار بلند و بالاست و شیخ به این اجازه نامه فخر مینمود و به صورت علنی از آن در مجالس تدریس و مباحثات علمی سخن میگفت.(مکاسب،111)

## گفتار دوم: شاگردان شیخ(ره) و تاثیرات شیخ(ره) بر ایشان

ذکر شاگردان شیخ در این مقال به صورت تفصیلی میسر نیست؛ ولی به نحو اجمال به آنها اشاره ای خواهد شد تا این مقاله به نام شاگردان شیخ نیز مزین باشد.

اول) السید میرزا محمد حسن حسینی شیرازی

مرحوم سید محمد حسن حسینی شیرازی مشهور به میرزای شیرازی رضوان الله تعالی علیه در روز پانزدهم جمادی الاولی سال یکهزار و دویست و سی هجری قمری و در شهر شیراز ایران چشم به جهان گشود. اولین مربی او دایی مرحوم او میرزا حسین موسوی شیرازی رحمة الله علیه بود. تا قبل از اینکه به سیزده سالگی برسد در علوم ادبیات وارد بود.

میرزای شیرازی پس از ادبیات به فراگیری فقه و اصول پرداخت و در سال یکهزار و دویست و چهل و هشت برای شرکت در بحث علمای اعلام اصفهان که در آن روزگار از مراکز علمی عالم اسلام به شمار میرفت، به این شهر سفر کرد و در بحث علامه شیخ محمد تقی اصفهانی، صاحب حاشیه بر کتاب معالم رحمة الله علیه حضور یافت. سپس در درس مرحوم علامه بزرگوار سید حسن بیدآبادی مشهور به مدرس حضور یافت و از آن بزرگوار اجازه وافیه و کامله ای دریافت. در این برهه از زمان میرزای شیرازی از افاضل اصفهان شمرده میشد و در این شهر کرسی تدریس داشت.

میرزا پس از کسب مدارج علمی در اصفهان به عراق جهت زیارت عتبات مقدسه و استفاده از فضای علمی و محضر علماء سفر نمود. او در سنه یکهزار و دویست و پنجاه و نه وارد شهر نجف اشرف شد و توفیق مجاورت امیرالمؤمنین سلام الله علیه را یافت. او در این شهر ابتدائا از محضر شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن صاحب جواهر رحمة الله علیهما بهره برد تا اینکه این دو بزرگوار وفات یافتند. پس از این دو بزرگوار میرزا در درس شیخ اعظم انصاری رحمه الله حضور یافت و مانند سایه ملازم او گردید. شیخ نیز بسیار او را تکریم مینمود و بر اجتهاد او تصریح میفرمود و او را بر دیگر شاگردانش مقدم میداشت. میرزا ملازم درس شیخ رحمه الله بود تا اینکه از حواریون شیخ شمرده میشد.

پس از وفات شیخ رحمه الله مرجعیت بر عهده میرزای شیرازی و مرحوم سید کوه کمری تبریزی رحمة الله علیهما قرار گرفت و پس از وفات سید کوه کمری مرجعیت مستقلا بر عهده میرزای شیرازی قرار گرفت.

مرحوم میرزای شیرازی در سنه یکهزار و دویست و نود و یک به حج مشرف شد و تصمیم بر مجاورت و اقامت در کنار مضجع نبوی و قبور ائمه بقیع سلام الله علیهم اجمعین گرفت که البته این کار صورت نگرفت. بعدا نیز میرزا تصمیم گرفت که مجاور امام رضا سلام الله علیه شود که اسباب این عملی سدن این تصمیم نیز مهیا نشد. در سال یک هزار و دویست و نود و یک نیز میرزا تصمیم بر سفر کربلا و زیارت سید الشهداء سلام الله علیه گرفت تا از آنجا به سامرا عزیمت کند. در حقیقت این سفر به جهت دوری از نجف اشرف و زعامت بود؛ به جهت اختلافی که بین میرزا و یکی از اشخاص مشهور در نجف اشرف بود. این مختصر مجال بازبینی آن حادثه را ندارد.

در آخرین روز از شعبان معظم سال مذکور سید وارد سامراء شد و نیت اقامت ده روزه فرمود تا بتواند در ماه مبارک رمضان روزه بدارد. او نیت داشت که در روزهای ماه مبارک به زیارت حرم امامین عسکریین سلام الله علیهما مشرف شود تا آن مشهد شریفه خالی از زائر نباشد؛ چراکه شمار شیعیان سامرا انگشت شمار بود.

هجرت میرزا به سامرا سبب هجرت بسیاری از شاگردان ایشان به این شهر شد تا جائی که سامرا که قریه کوچکی بود از مراکز علمی جهان تشیع شد.

میرزا توانائی عجیبی در مدیریت داشت و به شعر علاقه میورزید. فتوای موسوم به فتوای تنباکو از جانب میرزا نیز شهره بین اهل فضل است.

میرزا در بیست و چهارم شعبان المعظم سال یکهزار و سیصد و دوازده به ندای پروردگارش لبیک گفت و چشم از جهان فروبست. رضوان الله تبارک و تعالی علیه.(مکاسب،142)

دوم) شیخ جعفر، نوه مرحوم ملا حسین تستری رحمهما الله (شیخ جعفر شوشتری رحمه الله)

شیخ جعفر شوشتری رحمه الله فقیهی بزرگ و محدثی صاحب جلال و خطیبی توانا بود که در شهر تستر دیده به جهان گشود. بعد از تحصیلات ابتدائی در شهر مادری خود تستر، عازم نجف اشرف شد به جهت استفاده از علمای بزرگوار آن دیار مبارک. در نجف، به شاگردی شیخ راضی نجفی و شیخ اعظم انصاری رحمهما الله پرداخت.

در مورد او گفته شده که در حرم مطهر علوی علیه الصلوة و السلام بر منبر میرفت و پای منبر او صدها نفر به استماع مواعظ او گوش میدادند. کلام آن مرحوم در نفوس بسیار مؤثر بود و بر افکار و اندیشه های مردم مسلط بود. گفته میشود که او قبل از هر موعظه خود به مضمون موعظه عمل مینمود تا تاثیر در نفوس داشته باشد.

او سفری نیز به ایران داشته برای زیارت مولای عالم امام رضا سلام الله علیه و بعد از این سفر چندی نیز به طهران آمده. گویند که روزی در طهران بر منبر رفت و گفت: ای مردم، اولین و آخرین، همه به توحید دعوت کرده اند و من شما را به شرک دعوت میکنم. مستمعین از سخن او بسیار تعجب کردند و شیخ جعفر بعد از مکثی فرمود: اگر اعمالتان در روز و شب برای خدا نیست حداقل خدا را در نیات خود شریک کنید و همه عمل را به جهت ریا و تزویر به جا نیاورید.

شیخ جعفر مؤلفات گرانبهایی نیز دارد. من جمله رساله ای که در مورد عبادات که در علم فقه نوشته، مجمع المسائل که در مورد معاملات است، در مقدمه مجمع المسائل نیز رساله کوچکی دارد که در باب اصول دین است و زبان ساده ای دارد، و مقتلی بسیار نفیس در مورد سید الشهداء علیه السلام که خصائص الحسینیة نام دارد.

شیخ جعفر شوشتری رحمة الله علیه بعد از بازگشت از ایران و در راه نجف اشرف و در تاریخ بیستم صفر سال یکهزار و سیصد و سه به دیار باقی شتافت. قبر شریف او در صحن مطهر علوی و در حجره ای متصل به ساباط الصحن قرار دارد.

نسل شیخ جعفر نیز بسیار درخشان است و نوه بزرگوار او شیخ محمد کاظم از تللامیذ محقق خراسانی بود. رحمة الله علیهم اجمعین.(مکاسب،147)

سوم) میرزا حبیب الله رشتی رحمه الله

او در روستای رانکوی از توابع گیلان دیده به جهان گشود. پدر او نیز از فضلاء و بزرگواران بود و چون نبوغ و استعداد و طهارت نفس میرزا حبیب الله را دید بر آن شد که او را از علماء دین بگرداند و او را راهی قزوین کرد و قبل از راهی ساختن او به سوی قزوین او را تزویج نمود.

میرزا حبیب الله در قزوین به شاگردی میرزا عبدالکریم ایروانی رحمه الله در آمد و در علم فقه و اصول نبوغ بسیاری از خود نشان داد. پس از قزوین از پدر اجازه خواست تا به نجف اشرف سفر کند و مهیای سفر شد. در نجف به شاگردی شیخ محمد حسن صاحب الجواهر و سپس شیخ انصاری رحمة الله علیهما در آمد. او جامع بین علم و عمل بود.

از مؤلفات او میتوان به بدائع الافکار فی علم الاصول اشاره کرد که تالیفی گرانبهاست. سرانجام در تاریخ چهادهم جمادی الثانی سال هزار و سیصد و دوازده دیده از جهان فروبست. رحمة الله و رضوانه علیه.(مکاسب، 150)

چهارم) سید حسین کوه کمری تبریزی رحمه الله

در قریه کوه کمر از روستاهای تبریز به دنیا آمد. قرائت قرآن کریم و ادبیات عرب و منطق را در روستای خود فرا گرفت و سپس به تبریز رفت و به شاگردی علامه بزرگوار میرزا احمد امام جمعه و فرزندش لطف علی رحمهما الله درآمد و دروس سطح را نزد آنان به اتمام رساند. بعد از رسیدن به جایگاه عالی در محافل علمی راهی عراق شد و ابتدائا در کربلا سکنی گزید. در کربلا در حلقه شاگردان شریف العلماء و سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط و شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب فصول درآمد.

او در نجف اشرف به شاگردی شیخ اعظم رحمه الله درآمد و از حواریون شیخ شد و سرانجام در سال هزار و دویست و نود و نه هجری قمری دیده از جهان فرو بست.(مکاسب،153)

پنجم) شیخ محمد حسن مامقانی رحمه الله

در سال هزار و دویست و سی و هشت دیده به جهان گشود و در سال هزار و سیصد و بیست و سه دیده از جهان فروبست. تالیفات گرانسنگی دارد و از شاگردان شیخ اعظم انصاری بوده است.(مکاسب،154)

ششم) مولی محمد کاظم خراسانی رحمه الله

در سال هزار و دویست و پنجاه و پنج و در دیار خراسان دیده به جهان گشود و پدر او شیخ حسین، علامه ای بزرگوار بود.

قدرت او در علم اصول مشهور است و کتاب کفایة الاصول خود بهترین نشانه از قدرت اصولی بسیار اوست. او در سال هزار و سیصد و بیست و نه دیده از جهان فرو بست و در کنار رفیق و دوست گرامی خود محقق رشتی دفن شد. رحمة الله علیه.(مکاسب،159)

### دیگر شاگردان شیخ(ره)

از دیگر شاگردان شیخ میتوان مرحوم میرزا محمد حسن آشتیانی، میرزا ابوالقاسم کلانتر، شیخ هادی طهرانی، شیخ محمد طه نجف، میرزا عبدالرحیم نهاوندی، فخر العرفاء و اسوه تقوا و فضیلت مرحوم آخوند ملا حسین قلی همدانی، حاج میرزا حسین خلیلی طهرانی، فقیه بزرگوار شیخ عبدالحسین نوه صاحب جواهر، شیخ ابراهیم بن صادق عاملی، شیخ آغا حسن نجم آبادی و فقیه عامل و زاهد فاضل شربیانی نام برد که هر کدام ستاره ای در آسمان فضیلت بودند و وجود گرانمایه هر کدام از آنها خود نمایانگر برکات علمی شیخ اعظم انصاری است؛ رضوان الله و رحمته و برکاته علیهم و علی جمیع علماء الامامیة.(مکاسب، 174)

مرحوم آیة الله سید علی شوشتری رحمه الله نیز شاگرد شیخ بود و همو بر جنازه شیخ نماز خواند. وی پس از درگذشت شیخ انصاری بر منبر تدریس می کرده است.( رضا مختاری، 1387، 48)

### اخلاق شیخ(ره) و کرامات اخلاقی او

در مورد خلقیات شیخ سخن گفتن بسیار دشوار است و خود رساله ای جداگانه می طلبد. شیخ در زهد، دوری از مال دنیا، توسل به هل بیت علیهم السلام، قناعت و دوری از مقام و شهرت کم نظیر بود. در این راستا به ذکر تنها بخشی از حکایات در مورد شیخ کفایت می کنیم.

حکایت اول)

صاحب جواهر در روزهای آخر عمر خود مجلسی تشکیل داد که همه علمای طراز اول نجف در آن حضور داشتند. ولی شیخ انصاری در آن حضور نداشت. وقتی به جستجوی شیخ درآمدند او را در حرم مطهر علوی سلام الله علیه یافتن که برای صاحب جواهر و استشفای او دعا میکرد.

پس از اتمام دعای شیخ او را به سمت مجلس صاحب جواهر هدایت کردند. صاحبجواهر بعد از دیدن شیخ دست او را گرفت و بر قلب خود نهاد و فرمود: الان طاب لی الموت؛ اکنون مرگ برای من گوارا شد. سپس رو به حضار کرده و فرمود: هذا مرجعکم من بعدی؛ و به شیخ فرمود: قلل من احتیاطک؛ فان الشریعة سمحة سهلة؛ از احتیاط خود بکاه چراکه شریعت آسان است.(نقل به مضمون. سیما، 120)

حکایت دوم)

از یکی از خدام حرم حضرت امیر سلام الله علیه نقل است که در سحری شیخ را در کنار ضریح یافتم که به زبان محلی خود از حضرت برای امر مرجعیت کمک میخواست.(به مضمون، سیما، 121)

این دو حکایت به خوبی نشان دهنده ی دوری شیخ از مقام مرجعیت و شهرت است.

حکایت سوم)

عباداتی که شیخ انصاری رحمه الله از سن بلوغ تا آخر عمر به آنها مواظبت داشت، گذشته از فرائض و نوافل شبانه روزی و ادعیه و تعقیبات، عبارت بودند از: قرائت یک جزء قرآن و نماز جعفر طیار و زیارت جامعه و عاشورا در هر روز.(سیما،139)

## گفتار سوم: کتب شیخ و تاثیرات کتب شیخ در حوزه علمیه

### تالیفات شیخ(ره)

مرحوم شیخ اعظم رحمه الله تالیفات گرانسنگ بسیاری دارد و ما به ذکر همه آنها نخواهیم پرداخت؛ چراکه ذکر آنها نه بر فضیلت شیخ می افزاید و نه از ذکر نکردن آنها چیزی از فضیلت شیخ می کاهد. یبکه ما تنها به ذکر دو اثر گرانمایه شیخ میپردازیم و اندکی در مورد آن سخن خواهیم گفت.

دو کتاب رسائل و مکاسب مشهورترین کتب شیخ هستند. اولی در مورد علم اصول و کتاب دوم در مورد علم فقه و تمام استدلالی است. از تاثیرات این دو کتاب در حوزه های علمیه سخن را نمیتوان آنچنانکه شایسته است به اتمام برد و حق مطلب را ادا کرد. این دو کتاب در موضوع خود از نوادر هستند و کمتر کتابی به این عظمت را میتوان یافت و کافی است در فضیلت این دو کتاب سخنان علماء و بزرگان در مورد آن و تعلیقات و حواشی ای که بر آنها زده شده که ما در فصل بعد به آنها اشاره ای خواهیم برد.

# فصل سوم: شیخ(ره) از نگاه دیگران

## گفتار اول: شیخ(ره) از نگاه معاصرین و بزرگان و علمای متاخر

مرحوم شیخ اعظم در بین معاصرین خود جایگاهی بسیار والا داشت و از او به عظمت یاد میشود. یکی از علماء بزرگوار سخن لطیفی در مورد شیخ دارد. سید میرزا عبد الهادی شیرازی رحمه الله می فرماید: هيهات أن يأتي الزمان بمثل شيخنا الأنصاري ليؤلف كتابا مثل المكاسب و الرسائل. هیهات که زمان مانند شیخ انصاری بیاورد تا کتابی مانند رسائل و مکاسب را تالیف نماید.(مکاسب، 189)

مرحوم امام خمینی رحمه الله نیز در وصف شیخ انصاری رضوان الله علیه می فرماید: ... کرارا شنیده ام سید جلیلی، معلم اخلاق شیخ انصاری بوده است.( رضا مختاری، 1387،42)

مقام معظم رهبری نیز در مورد جایگاه والای شیخ انصاری رحمه الله بیناتی داشته اند که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:«به نظرم نمیرسد که بعد از شیخ انصاری، هیچکدام از شاگردان ایشان و شاگردان شاگردان ایشان تا امروز به رتبه شیخ انصاری رسیده باشند.» ۱۳۸۹/۰۸/۰۲

شیخ‌ انصاری‌ از مفاخر روحانیت‌ اسلام‌ است‌ و ما باید خصوصیات‌ ممتاز وی‌ را تبیین‌ کنیم‌ تا بیش‌ از گذشته‌ عظمت‌ روحانیت‌ و حوزه‌های‌ علمیه‌ و استقلال‌ حوزه‌ها مشخص‌ شود. ۱۳۷۳/۰۹/۲۱

تحلیل‌ نظرات‌ شیخ‌ مرتضی‌ انصاری‌(رض‌) باید جزو برنامه‌های‌ کار حوزه‌های‌ علمیه‌ قرار گیرد و علمای‌ بزرگ‌ و طلاب‌، کتابها و رساله‌های‌ خود را به‌ این‌ امر مهم‌ اختصاص‌ دهند. ۱۳۷۳/۰۹/۲۱

سخنی از آیة الله بهجت رضوان الله علیه در مورد جایگاه والای شیخ نقل شده است؛ آیت الله‌العظمی بهجت(ره) فرموده‌اند: دو کلمه از شیخ انصاری(ره)نقل شده است که بر علوّ مقام او دلالت دارد. اول آن‌که: یکی از اهل علم حاجتی داشته و مدت‌ها به حرم مشرف می‏شده و توسل می‏کرده است، تا این‌که روزی، عربی را می‏بیند که وارد حرم شد و عرض حاجت کرد (فرزندش بیمار بوده) و فوراً همان‌جا حاجتش برآورده شد؛ از این‌رو، خیلی ‏ناراحت می‏شود و به اصطلاح، قهر می‏کند و تصمیم می‏گیرد از عراق برود. وقتی به محل اقامتش بر می‏گردد، به او می‏گویند: «چندین بار، خادم شیخ به سراغ شما آمد و شما نبودید». در همین وقت، دوباره خادم سر می‏رسد. (او را به نزد شیخ فرا می‌خواند و او به خدمت شیخ شرفیاب می‌شود) سرانجام بعد از آن‌که شیخ، حوایج او (هزینه حج، منزل و عیال) را برآورد، به او می‏فرماید: «شما نگاه نکنید به این‏ مردم. این‌ها را این‌طور عادت داده‏اند؛ اما شماها اگر خواستید حاجت‌تان برآورده شود، بر خشوع و خضوع خود در نماز بیفزایید. کلام بزرگی است. کأنّ [گویی] می‏فرماید که به این، أحوج [نیازمندتر] هستید.

دوم آن‌که، ایشان مریض شده بودند و اهل علم و عرب‌ها به دیدنشان آمده، و طی عیادت گفته بودند: «ان‌شاءالله خوب ‏می‏شوید». ایشان در پاسخ فرموده بود: الموت والحیات من عوارض البدن و السّوج سوادالوجه فی‌الآخرت ؛ مرگ و زندگانی از عوارض بدن است؛ ولی مصیبت، سیاه‌رویی در آخرت است.

## گفتار دوم: نگرش علماء در مورد کتب شیخ(ره)

ما تنها به نقل سخنی از محدث نوری رحمه الله می پردازیم و سخن را در این مورد بسیار ادامه نخواهیم داد. محدث نوری می فرماید:

و قد عكف على كتبه و مؤلفاته و تحقيقاته كل من نشأ بعده من العلماء الأعلام، و الفقهاء الكرام الذين صرفوا هممهم، و بذلوا مجهودهم، و حبسوا أفكارهم فيها و عليها، و هم بعد ذلك معترفون بالعجز عن بلوغ مرامه فضلا عن الوصول الى مقامه جزاه اللّه تعالى عن الاسلام و المسلمين خير جزاء المحسنين.(مستدرک وسائل الشیعة، ج3، ص 392)(مکاسب، 189)

ترجمه و نقل به مضمون کلام محدث نوری: پس از او تمامی علمای اعلام بر سفره کتب و مؤلفات او نشسته اند و همت و تلاش خود را در راه فهم این کتب بذل کرده اند و با این وجود اعتراف کرده اند که نتوانسته اند به مرام او دست یابند چه رسد به مقام و جایگاه او. خدای متعال او را از جانب اسلام و مسلمین به بهترین نحو جزای خیر دهد.

# نتیجه نهایی

شیخ اعظم انصاری رحمه الله از بزرگترین فقهاء و اصولیون شیعه در بین متاخرین و متقدمین بود. کتب او تاثیرات بسیاری در حوزه علمی شیعه داشت و او فقه و اصول شیعی را بسیار مترقی ساخت و در این راه نقش به سزایی داشت. شاگردان او هر کدام ستاره ای درخشان در آسمان فضیلت و علم و تقوا بودند و او خود علاوه بر علمیت، بسیار خود ساخته، مهذب، متقی و اهل مراقبه بود. در یک کلام میتوان او را به جامع بین علم و عمل توصیف کرد.

اکنون نیز حوزه های علمی مرهون تلاش علمی شیخ هستند و سطوح عالی بر سفره شیخ نشسته اند.

# منابع

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغة
3. دزفولی/مرتضی ابن محمد امین انصاری/کتاب المکاسب(المحشی)
4. قمی/شیخ عباس/فوائد رضویة/دوم/نوید اسلام قم/قم-ایران/ پاییز1387 هجری شمسی
5. مختاری/رضا/سیمای فرزانگان/اول/بوستان کتاب/قم-ایران/سال 1386 هجری شمسی